benehmen

written by مرتضی غلام نژاد | نوامبر 19, 2016

benehmen (sich یک فعل انعکاسی می باشد

رفتار کردن ، محال کردن ، محروم ساختن ، گرفتن

Das Behnehmen یک اسم خنثی می باشد

رفتار ، سلوک ، مسلک ، برخورد ، توافق

نکته : همانطور که در جزوات سایت گفته ام ، بعضی افعال را می توانیم به اسم تبدیل کنیم و هرگاه فعلی به اسم تبدیل شود آرتیکل یا حرف تعریف آن می شود Das و حرف اول فعل که حالا به اسم تبدیل شده است باید بزرگ نوشته شود

مانند benehmen که یک فعل بود و وقتی تبدیل به اسم شد Das Benehmen یا فعل essen به معنی خوردن که وقتی تبدیل به اسم شد Das Essen و کلی فعل دیگر

مثال برای benehmen در نقش یک فعل :

Sich gut benehmen

خوب رفتار کردن ، رفتار خوبی از خود داشتن

Sich unmöglich benehmen

رفتار ناشایست داشتن ، رفتار ناشایستی از خود داشتن

Wie ein Idiot benehmen

مثل یک ابله رفتار کردن ، مثل یک بی شعور رفتار کردن

Der Idiot نفهم ، خرفت ، ابله ، سفیه ، سبک مغز ، نادان ، کودن ، بی شعور

Benehmen Sie sich!

درست رفتار کنید ، مودب باشید.

Sie benimmt sich jungenhaft

او (مونث) پسرانه رفتار میکند.

Benimm dich nicht kindisch!
بچگانه رفتار نکن ، (بچه بازی در نیار)

مثال برای Benehmen در نقش یک اسم خنثی :

Höfliches Benehmen

رفتار با ادب ، رفتار مودبانه

Flegelhaftes Benehmen

رفتار بی ادبانه ، رفتار گستاخانه

Sein Benehmen war tadellos

رفتار او بی عیب یا بی نقض بود

Anstößiges Benehmen

رفتار قبیح ، رفتار زشت و ناراحت کننده ، رفتار زننده

Sein geziertes Benehmen gefällt mir nicht

من از رفتار ساختگی (غیر طبیعی) او خوشم نمی‌آید.

موفق باشید.